

## نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی و مرجع قانونی آن

در اثر ازدیاد روابط و مناسبات جامعه ما از لحاظ اجتماعی - اداری - فرهنگی و غیره در سالهای اخیر و همکذا در اثر استمرار در این قبیل مسائل و بروز احتیاجات مختلف در میان صفوف و طبقات مردم تغییر مطالب و مندرجات اسناد سجلی و بالتیجه شناسنامه مورد توجه و ضرورت جمع کثیری از مردم و همچنین سازمانهای قضائی و اداری کشور با واقع شده است.

هر روزی که میگذرد ذیل عناوین متعددی در مراجع قضائی و اداری اصلاح مندرجات شناسنامه و یا تغییر مطالب آن با اشکال گوناگون مورد ادعا و تقاضای بیشتری میشود.

از نظر قضائی و اداری عقائد و آراء ضد و نقیضی نسبت بان ابراز میشود. و چه بسا در اثر عدم ورود علاقمندان از طریق قانونی آن و قابل طرح و رسیدگی نبودن تقاضا و اشتباه در مرجع رسیدگی باعث تضییع حقوق هم میشود که نتیجتاً اینجانب را بر آن داشت که با در نظر گرفتن مقررات مورد عمل ثبت احوال و با توجه بقواعد آئین دادرسی مدنی و اطراف و جوانب این امر مبتلابه عمومی موضوع را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قضائی قرار داده و اسکانات و مراجع قانونی تغییر مطالب اسناد سجلی را با اصطلاح قانون مدنی و رفع اشتباه و اختلاف شناسنامه را با اصطلاح قانونی ثبت احوال برای علاقمندان تا آنجائی که ممکن باشد تشریح و تعیین نمایم.

بعقیده این جانب از مجموع قواعد و قوانین و آئین نامه های راجعه باعتبار اسناد سجلی چنین استنباط می شود. که هر سند سجلی که شناسنامه اشخاص مأخوذ از مندرجات آن است در هر مرحله از اعتبار قانونی و رسمی از لحاظ قانون ثبت احوال و مواد سایر قوانین راجعه بان باشد تحت تأثیر تغییرات و تحولات قانونی از طرف مراجع بخصوصی است.

و سندی که هرگز در مورد وقوع اشتباه قابل تغییر یا تصحیح و یا تکمیل نباشد قانوناً تنظیم آن را ترتیبی مترتب نیست.

لیکن عدم تغییر مندرجات اسناد سجلی در بعضی موارد در قسمتی از آن اشتباهاتی دارد که برای مثال ممکن است شمول آنها بیشتر در موارد تاریخ ولادت و تاریخ تنظیم اسناد سجلی مورد مطالعه قرارداد. که از آن جمله است ناظر بودن سند بماده ۲ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹ و ماده ۹۹۹ قانون مدنی.

لذا باید گفت که هر سند سجلی تحت شرایط و قواعد و نظامات بخصوصی قابل تغییر و اصلاح از طرف مراجع مخصوصی بشرح ذیل است:

۱ - از طرف نماینده ثبت احوال و کسانی که در تنظیم سند سجلی دخالت مستقیم دارند.

### نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی

- ۲ - بوسیله اداره کل ثبت احوال و موافقت صاحب سند.
- ۳ - دادگاههای شهرستان محل تنظیم سند یا محل اقامت صاحب سند و دادگاه شهرستان تهران.
- ۴ - دفاتر اسناد رسمی در موارد ناقص بودن اسناد سجلی.
- ۵ - کمیسیون مخصوص در مواردی که تمام یا قسمتی از مندرجات اسناد از بین برود.

- ۶ - تصویب نامه هیئت وزیران در موارد تغییر تابعیت.
- ۷ - فرمان همایونی در موارد تغییر نام خانوادگی.
- ۸ - ثبت تحولات احوال صاحب سند از طرف اداره ثبت احوال محل تنظیم سند. و اینک موارد هشتم را با توجه ب مواد قانونی و اختیارات حاصله از آنها یک بیک مورد بحث و مطالعه قرار میدهم :

۱ - از طرف نماینده ثبت احوال و کسانی که در تنظیم سند دخالت مستقیم دارند. قسمت اول ماده ۴۸ قانون ثبت احوال مصوب اردی بهشت ۱۳۱۹ م صرح

است :

هرگاه در تحریر دفاتر یا تنظیم اظهارنامه اشتباهی از طرف مأمور بشود چنانچه قبل از امضاء اظهارکننده باشد مأمور مراتب را در حاشیه سند با مرکب اصلاح کرده و با امضاء اظهارکننده و صاحب واقعه و گواهان می رساند .

و قسمت اول بند ۲ ماده ۱۰۵ آئین نامه ثبت احوال مصوب اردی بهشت ۱۳۱۹

می گوید :

اشتباهاتی که در موقع تنظیم اسناد سجلی ناشی از اشتباه تنظیم کننده اسناد بوده است . هرگاه مأمور قبل از امضاء متوجه اشتباه گردد طبق قسمت اول ماده ۴۸ قانون ثبت احوال اشتباه را اصلاح می نماید .

علیهذا در مواردی که سند سجلی اعم از ولادت و اظهارنامه یا فوت تنظیم میشود و هنوز از طرف نماینده تنظیم آنها یا شهود و کسانی که در تنظیم سند بعنوان دیگر احیاناً دخالت داشته اند، امضاء نشده و در واقع صورت سند بمعنی قانونی و رسمی پیدا نکرده است، متوجه اشتباهی شود، نماینده ثبت احوال می تواند با اجازه حاصله از مقررات فوق نسبت برفع آن بدون مراجعه بسایر مراجع شخصاً و رأساً اقدام نماید و اشتباه سند سجلی را برطرف کند. و شرایط اساسی این تصحیح بشرح ذیل است :

الف - سند هنوز از لحاظ امضاء نماینده ثبت احوال و اظهارکننده و شهود واقعه ناتمام باشد.

ب - اشتباه از طرف اظهارکننده یا مبتنی بر عمل وی نباشد.

ج - مراتب تصحیح با امضاء اظهارکننده و شهود واقعه برسد.

### نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی

د - اصلاح سند بامرکب انجام گیرد. و گرنه بافاقد بودن یکی از شرایط چهارگانه عمل تصحیح صورت قانونی نخواهد داشت.

۲ - بوسیله اداره کل ثبت احوال و موافقت صاحب سند.

قسمت دوم ماده ۸؛ قانون ثبت احوال مصوب اردی بهشت ۱۳۱۹ چنین مقرر داشته است :

« ... چنانچه بعد از امضاء آن باشد مأمور باید فوراً شرح اشتباه را بداره کل آمار و ثبت احوال گزارش دهد تا بموجب اجازه اداره کل آمار و ثبت احوال دستور اصلاح صادر شود » .

و قسمت دوم بند ۲ ماده ۱۰۵ آئین نامه ثبت احوال مقرر نموده است که :

« ... در صورتیکه بعد از امضاء با اشتباه متوجه گردید باید مورد اشتباه را بطور واضح و روشن بداره کل آمار و ثبت احوال گزارش دهند و پس از وصول دستور با موافقت نامه صاحب سند اشتباه اسناد را تصحیح نماید .

بنابراین در صورتیکه در تنظیم اسناد سجلی اشتباهی رخ دهد که بعد از اتمام همه تشریفات قانونی تنظیم سند باشد و باین معنی که سند تنظیم شده و با امضاء اظهارکننده و شهود و نماینده ثبت احوال رسیده باشد با تحصیل اجازه اداره کل ثبت احوال و موافقت صاحب سند یا قائم مقام قانونی او به تصحیح مندرجات مورد اشتباه می توان اقدام نمود.

پدیدهی است که استفاده از چنین مجوزی مانند حالت اول رفع اشتباه سند سجلی مشروط و منوط بشرایطی است که قانون بدان متعرض گشته است. بشرح آتی :

الف - فوریت گزارش وقوع اشتباه بداره کل ثبت احوال.

ب - واضح و روشن بودن مورد اشتباه در گزارش ارسالی.

ج - اجازه اداره کل ثبت احوال بطور کتبی.

د - تحصیل اجازه کتبی صاحب سند بعد از صدور ابلاغ تصحیح.

باین حال قانون مورد بحث روشن نموده که فوریت ارسال گزارش تا چه اندازه و تا چه مدتی می تواند باشد. و بنظر می رسد که منظور قانونی از فوریت گزارش وقوع اشتباه این باشد که تا اندازه به صحت وقوع اشتباه واقف گردد. و بدین وسیله از سوء استفاده احتمالی اشخاص از این سهولت قانونی جلوگیری نمایند.

با این وصف نباید اختیارات تصحیح اسناد سجلی را از طرف اداره کل ثبت احوال محدود و مقید در ماده ۸؛ قانون ثبت احوال و باصطلاح تنها در چهار چوبه مقررات آن دانست. بلکه قانوناً مورد دیگری نیز وجود دارد که اسناد سجلی در هر زمانی بعد از تاریخ تنظیم آن که باشد می توان با اجازه حاصله از قاعده مندرجه در ماده ۶؛ همان قانون اصلاح نمود. و شرط اصلی و اساسی استفاده از این قاعده قانونی آنست که صرفاً وقوع اشتباه و یا اختلاف ناشی از عمل مأمور تنظیم سند یا بطور کلی اداره ثبت احوال باشد.

### نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی

زیرا موجد اشتباه وقتی اعلام کننده سند است و زمانی تنظیم کننده سند و در شق اخیر است که در صورت وجود دلائل و قرائن روشن اداره کل ثبت احوال می تواند دستور تصحیح صادر نماید و برای روشن شدن موضوع اشتباه سندی را مثال می زنیم که سند ولادتی است که نام شخصی صاحب سند را اعلام کننده سند ( زحل ) اظهار نموده است مأمور تنظیم سند در اثر تسامح یا بی اطلاعی نام مولود را با هاء ( هوز ) زحل نوشته است.

در صورتیکه چنین عملی اشتباه است و صاحب سند یکنفر دختر بوده و کلمه زحل نام ستاره معروف زحل است که برای دختران ایرانی بر حسب معمول نام گذاری میشود. و این عمل از ناحیه مأمور ثبت احوال عمل اشتباهی است که دلایل وقوع آن از طرف نماینده ثبت احوال همراه نفس سند است. و صاحب سند قصوری در وقوع اشتباه نکرده که تحمل ضرر و زیان تقاضای تصحیح قضائی گردد.

و از این لحاظ است که قانون مزبور اجازه تصحیح این قبیل اشتباهات را از طریق سهلتری داده که ضررهای وارده باشخاص را تا جائی که بتواند تخفیف دهد و اینک عین ماده ۶۶ را بشریح ذیل مورد مطالعه قرار میدهیم.

**« اشتباهاتی که ممکن است در تنظیم اسناد جعلی از طرف اداره مربوطه بعمل آمده باشد میتواند با موافقت صاحب سند و اداره کل آمار و ثبت احوال تصحیح نمود ولیکن این تصحیح در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود . »**

و با در نظر گرفتن سندرجات این ماده چنین به نظر می رسد که حکم قانونی در اعتبار سندی که باین صورت اصلاح شده با وضع اعتبار قانونی اصلاحات مواد قبل این تفاوت را دارد که اعتبار قانونی اسنادی که با اجازه ماده ۴۸ اصلاح شده در مقابل اشخاص ثالث معتبر است. اما رفع اشتباهی که با مقررات ماده ۶۶ بعمل می آید برای دیگران ( سوای اداره ثبت احوال و صاحب سند ) قابل اعتراض و تجدید نظر است.

۳ - دادگاه شهرستان و درغیاب آن دادگاه بخش محل تنظیم سند یا محل اقامت صاحب سند و دادگاه شهرستان تهران.

ماده ۶۶ قانون ثبت احوال چنین مقرر داشته است :

**« هرگاه اختلافی راجع با اسناد سجلی ایجاد شود یا برای یکنفر برگهای مکرر صادر شده باشد باختلاف و ابطال برگهای اضافی در دادگاه شهرستان محل صدور شناسنامه و در صورت نبودن آن در نزدیکترین دادگاه بخش بعمل می آید تا موقعی که از طرف دادگاههای نامبرده اسناد مذکور باطل یا تصحیح نشود آن اسناد باعتبار خود باقی خواهد بود . و دادنامه دادگاه در این مورد فقط قابل پژوهش است . »**

### نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی

بنابراین بالاترین مرجع قانونی که برای رفع اشتباه یا اختلاف اسناد سجلی قانوناً در نظر گرفته شده، مراجع قضائی کشور است. که میتواند هر نوع اختلاف یا اشتباهی که بر طبق مواد ۴۶ و ۴۸ قانون ثبت احوال قابل حل و فصل اداری نباشد از طریق قضائی مرتفع نماید.

و بدین ترتیب پر واضح است توسل باین وسیله فوق العاده مخصوص مواردی است که از طریق اداری همین طوریکه توضیح داده شد رفع اختلاف مورد تقاضا مقدور نباشد.

پس دادگاه شهرستان محل تنظیم سند سجلی مورد اشتباه بر حسب مقررات ماده ۴۴ قانون ثبت احوال صالح برای رفع اشتباه خواهد بود و چنانچه در محل تنظیم سند سجلی دادگاه شهرستان نباشد دادگاه بخش صلاحیت اظهار نظر جهت رفع اشتباه خواهد داشت.

اشکال قضائی - محل تنظیم سند سجلی با در نظر گرفتن قلمرو هر اداره ثبت احوال بسیار وسیع است و دارای حوزه های متعددی است و امکان دارد اداره ثبت احوالی که تنظیم کننده سند است در قلمرو اداری خود چندین بخش داشته باشد. و این بخش ها هم به نوبه خود از نظر سازمان قضائی وزارت دادگستری دادگاه بخش را نیز دارا باشند.

در چنین موقعیتی آیا همه دعاوی اسناد سجلی قلمرو اداره ثبت احوال باید در دادگاه شهرستان واقع در محل اقامت اداره ثبت احوال مورد بحث باید رسیدگی شود و یا سند سجلی هر حوزه ثبت احوال در دادگاه بخش آن شهرستان؟

در این مورد از نظر دادگاه های شهرستان و بخش رویه های مختلفی دیده شده و میتوان گفت که هر دادرسی دارای رویه و عقیده بخصوصی است و چون دعاوی اسناد سجلی کلاً در مرحله پژوهشی خاتمه می یابد. مانند سایر دعاوی رویه تمیزی آن پیدا نشده است.

این جانب شخصاً عقیده بر این دارم که دعاوی اسناد سجلی چنانکه در محل اقامت اداره ثبت احوال دادگاه شهرستان حاکم باشد. دیگر دادگاه بخش واقع در قلمرو آن اداره ثبت احوال صالح برای رسیدگی باختلاف سند سجلی حوزه های تابعه آن اداره ثبت احوال نخواهد بود:

و با اصطلاح روشن تر حل و فصل دعاوی هر اداره ثبت احوال قانوناً باید متمرکز در دادگاه شهرستان حاکم در مرکز اداره ثبت احوال شهرستان باشد. برای مثال:

اداره ثبت احوال ماکو چنانکه اشتباه یا اختلاف سند سجلی داشته باشد دادگاه بخش آن شهرستان که در قلمرو شهرستانی آن سازمان دادگاه شهرستان وجود ندارد صالح برای رفع آن اختلاف است.

و حال آنکه دادگاه بخش آذرشهر با وجود دادگاه شهرستان تبریز گو اینکه در قلمرو یکی از حوزه های تابعه ثبت احوال تبریز است فاقد چنین صلاحیتی میباشد و اگر از این قاعده عدول نماید تخلف بمعنی قضائی نموده است. زیرا از نظر اصولی رسیدگی

### نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی

دعاوی اسناد سجلی در دادگاه بخش در غیاب دادگاه شهرستان بطوریکه توضیح دادیم ناظر و وارد بموارد نبودن دادگاه شهرستان در محل اقامت اداره ثبت احوال بوده. که امید است چنانکه در مقررات قانون ثبت احوال تجدید نظری بشود این اشکال بصورت مطلوبی مورد توجه واقع شود.

در هر حال احکام دادگاه شهرستان و در غیاب آن دادگاه بخش در موارد تغییر و تصحیح مطالب اسناد سجلی عموماً غیر قطعی بوده و قابل رسیدگی ثانوی خواهد بود و در مقررات راجعه به صدور احکام تصحیح اسناد سجلی بهر صورتی که باشد دادنامه قطعی در مرحله بدوی صادر نمیشود. مگر اینکه اداره خوانده و دادرای شهرستان متفقاً بدعوی مطروحه بلا شرط تسلیم شوند و مرجع رسیدگی پژوهشی این قبیل احکام دادگاه استان صادرکننده دادنامه است و دادنامه‌های صادره از دادگاه‌های استان بموجب صراحت ماده ۴۴ قانون ثبت احوال عموماً قطعی و غیر قابل فرجام میباشد.

اما باید توجه داشت که صلاحیت دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش که در محل اقامت اداره ثبت احوال واقع است محدود و منحصر برفع اشتباه اسناد سجلی تنظیم شده در قلمرو قضائی خود نیست و اسناد سجلی دیگری وجود دارد که قانوناً رفع اختلاف آنها در صورت بروز آن بمعده آنها واگذار شده و این صلاحیت ناشی از اجازه ماده ۵۴ قانون اصلاح قانون ثبت احوال است که می‌گوید :

« باختلاف اسناد سجلی اتباع ایران که در خارجه شناسنامه گرفته‌اند مادام که در کشورهای خارجه هستند در دادگاه شهرستان تهران و در غیر این صورت در دادگاه شهرستان محل اقامت صاحب سند رسیدگی میشود »  
علیهذا با در نظر گرفتن مادتهای ۴۴ و ۵۴ قانون ثبت احوال باید قائل به تفصیل و توضیح روشن‌تری شد و گفت که از نظر قانونی مرجع رسیدگی قضایی هم بسه صورت مختلف خواهد بود بشرح ذیل :

الف - دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش واقع در مرکز اداره ثبت احوال محل تنظیم اسناد سجلی متنازع فیه.

ب - دادگاه شهرستان تهران در صورتیکه اسناد سجلی مورد دعوا در خارج از ایران بوسیله نمایندگان دولت شاهنشاهی تنظیم شده است و محل اقامت صاحبان آنها در خارج از کشور ایران است.

ج - دادگاه شهرستان محل اقامت دارنده سند سجلی مورد اشتباه که بوسیله نمایندگان دولت شاهنشاهی در خارج از کشور ایران تنظیم یافته است.

بدین ترتیب با روشن شدن مراجع قضائی رفع اشتباه یا اختلاف اسناد سجلی می‌پردازیم بانواع و اقسام آن که اگر چه تمام انواع اختلاف را نمی‌توان شماره نمود و اختلافات اسناد سجلی بمعنی اخص آن صور مختلف دارد. معهداً آنچه تا بحال باین عناوین طرح و مورد رسیدگی بوده اجمالاً بشرح آتی بوده است :

### نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی

- ۱ - حذف القاب و عناوین منسوخه.
  - ۲ - اختلاف یا اشتباه در اسم شخص.
  - ۳ - اشتباه در تاریخ ولادت.
  - ۴ - اصلاح در نام و مشخصات ابویین صاحب سند.
  - ۵ - غصب نام خانوادگی.
  - ۶ - اشتباه در نام محل تولد.
  - ۷ - ابطال اسناد سجلی مکرر.
  - ۸ - دعوی عدم تعلق اسناد سجلی به شخص.
  - ۹ - دعوی بدون شناسنامه بودن.
  - ۱۰ - ابطال سند فوت.
  - ۱۱ - اصلاح بعضی از مندرجات سند فوت.
  - ۱۲ - ابطال اسناد فوت مکرر.
  - ۱۳ - حذف بعضی از مندرجات زاید اسناد سجلی.
  - ۱۴ - اشتباه در جنسیت صاحب سند.
  - ۱۵ - ابطال اسناد بلاصاحب.
  - ۱۶ - ابطال سند سجلی که من دون حق برای یکنفر تبعه بیگانه تنظیم شده.
- بدین نحو قابل توجه است که دعوی اصلاح اسناد سجلی و رفع اختلاف آنها همیشه منحصرأ از ناحیه صاحبان آنها یا اشخاص ذی نفع نبوده بلکه اداره ثبت احوال نیز از یک طرف و دادستان محل تنظیم سند سجلی از جانب دیگر امکان قانونی و منطقی دارد که در صورت ضرورت و پیدا شدن مقتضیاتی این تقاضا (رفع اشتباه یا اختلاف) را از دادگاه شهرستان ذی صلاحیت بنمایند. که اگر انشاءالله توفیقی حاصل و فرصتی بدست آید در آینده به توضیح و بحث گویاتری در شماره های بعدی مجله کانون و کلاء داد گستری در بقیه موارد هشتگانه تصحیح و تغییر مطالب اسناد سجلی می پردازیم.

پرتال جامع علوم انسانی